

تأثیر حاکمیت اراده در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

محمد مجد کابری*

اعظم انصاری**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۳۰

چکیده

امروزه توافق انتخاب دادگاه به عنوان یکی از شروط رایج در قرارداد های تجاری بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد. با این حال، به دلیل عدم موضع‌گیری برخی نظام‌های حقوقی در خصوص اعتبار چنین شرطی، چالش‌ها و ابهاماتی در این خصوص مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین ابهامات در این خصوص تعارض این‌گونه توافقات با اصل حاکمیت دولت‌ها و همچنین مفهوم نظم عمومی است. این نوشتار ضمن تبیین مفهوم توافق انتخاب دادگاه و همچنین بررسی برخی کنوانسیون‌ها و مقررات کشورها به این نتیجه می‌رسد که نه فقط توافق بر انتخاب دادگاه به پشتوانه اصل حاکمیت اراده قابل پذیرش است، بلکه با تغییر مبنای فلسفی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه، این توافق خدشه‌ای بر حاکمیت دولت‌ها نیز وارد نمی‌سازد. همچنین در همه موارد موضوع صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مرتبط با نظم عمومی نبوده است که توافق برخلاف آن، غیرمعتبر تلقی شود. رویکرد برخی نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی مرتبط با این موضوع نیز این نتیجه را تأیید می‌نماید.

کلیدواژه‌گان:

توافق صلاحیت، حاکمیت اراده، دادگاه صالح، دعوی بین‌المللی، نظم عمومی.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، گروه حقوق
Kabry.mohammedmjed@mail.um.ac.ir

** استادیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد دانشکده علوم اداری و اقتصادی (نویسنده مسئول)
aansari@um.ac.ir

مقدمه

در عصر حاضر اشخاص، به‌ویژه تجار، در مبادلات بین‌المللی تمایل دارند تا علاوه بر تنظیم قراردادهای مفصل با شروط متعدد حتی‌الامکان از بروز اختلافات آتی جلوگیری نمایند. با این حال، همواره احتمال بروز اختلاف در آینده را مدنظر قرار می‌دهند و تلاش می‌نمایند تا شیوه حل و فصل اختلافات محتمل را با توافق تعیین نمایند. در کنار تمام مزایایی که داوری و سایر شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات دارند، اما همچنان مراجعه به دادگاه‌های ملی از مهم‌ترین شیوه‌های حل اختلافات محسوب می‌شود. در هر حال، اشخاص ممکن است به دلایلی مانند صرفه‌جویی در هزینه‌ها یا نظام دادرسی مناسب‌تر، مایل باشند تا توافقی مبنی بر اعطای صلاحیت به دادگاه یک کشور و سلب صلاحیت از دادگاه‌های سایر کشورها منعقد نمایند. پرسش مهم در خصوص توافق مزبور که به «توافق صلاحیت» شهرت دارد، این است که آیا چنین توافقی با استناد به اصل حاکمیت اراده اشخاص معتبر است؟ و آیا پذیرش چنین توافقی خدشه‌ای به حاکمیت دولت‌ها وارد نمی‌سازد؟ مقاله حاضر در راستای پاسخ به این پرسش ابتدا مفهوم حاکمیت اراده و صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را تبیین می‌نماید. سپس مسئله حاکمیت اراده و توافق صلاحیت را بررسی می‌کند. در این قسمت مقاله ضمن اشاره به دیدگاه قدیمی عدم پذیرش حاکمیت اراده در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها و نقد مبانی این دیدگاه، دیدگاه مخالف، یعنی پذیرش حاکمیت اراده در اعطای صلاحیت و سلب صلاحیت دادگاه‌ها، را تبیین می‌نماید. از آنجا که موضوع توافق بر سلب صلاحیت، حقوق دانان را با چالش‌های بیشتری مواجه ساخته است، مقاله در بخش پایانی خود به بررسی مقررات ملی برخی کشورها و همچنین برخی کنوانسیون‌ها و مقررات اتحادیه اروپا در زمینه توافق بر سلب صلاحیت دادگاه‌ها می‌پردازد. در پایان نتیجه‌گیری از مطالب، ارائه می‌گردد.

۱. مفهوم حاکمیت اراده

دکترین حاکمیت اراده در قرن نوزدهم میلادی در انگلستان پایه‌گذاری شد. مبنای این دکترین این است که هر شخص «بهترین قاضی برای تأمین رفاه خود و همچنین تدارک وسایل

این تأمین است.^۱ حقوق‌دانان تعاریف متعدد و متنوعی از اصطلاح «حاکمیت اراده» ارائه کرده‌اند. در فرهنگ حقوقی بلک برای عبارت حاکمیت اراده از اصطلاح (Party Autonomy) استفاده شده و در توضیح آن به عبارت آزادی قراردادی (Freedom of Contract) اشاره شده است که منظور از آن این است که قراردادها مبتنی بر توافق اراده اطراف آنها و نتیجه انتخاب آنهاست. این انتخاب نباید توسط عوامل خارجی، از جمله دخالت دولت، تحت تأثیر قرار گیرد و آنها باید بتوانند روابط خودشان را تنظیم نمایند.^۲

یک حقوق‌دان ایرانی^۳ اصطلاح حاکمیت اراده را مترادف با «استقلال اراده» دانسته است. وی در تعریف استقلال اراده بیان داشته است که اصل در روابط اشخاص در زندگی قضایی آن است که اراده آنها منشأ اثر باشد و عدم تأثیر اراده، محتاج دلیل و علت مخصوصی است.^۴ همین حقوق‌دان در جای دیگری در تبیین مفهوم حاکمیت اراده بیان نموده است علی‌الاصول اراده مردمان در انعقاد عقود و درج شرط در آنها نافذ است، مگر آنکه خلاف یکی از قوانین الزامی مصرح باشد.^۵ برخی دیگر^۶ ضمن بیان اینکه اصل مزبور یک اصل فلسفی است، در تبیین آن از منظر فلاسفه بیان داشته‌اند که «اراده افراد در مورد قراردادها منبع مستقیم حق و تکلیف و در مورد قانون منبع غیرمستقیم است». این اراده از منظر اخلاقی نیز قابل احترام است؛ زیرا از آنجا که اشخاص، آزاد محسوب می‌شوند و می‌توانند آزادانه قرارداد منعقد نمایند، پس ضرورتاً این قراردادها عادلانه و منصفانه است و لذا باید قراردادهای برآمده از اراده ایشان معتبر باشند. بعد از اینکه مفهوم حاکمیت اراده روشن شد، وقت آن است اصطلاح صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها تبیین شود.

1. Ogunranti, Akinwum Olawuyi, "The Scope of Party Autonomy in International Commercial Contracts: A New Dawn?" Master thesis of Laws at Dalhousie University Halifax, Nova Scotia, 2017, p.24, available at: <http://cutt.us/VjgCE>.

2. Garner, B. A (chief editor), Black's Law Dictionary, (9th ed), US: Thomson West, 2009, p.735.

۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸.

۴. همان، ص ۴۲.

۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱۲.

۶. صفایی، سیدحسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد ۲، تهران: میزان، ۱۳۸۹، ص ۴۵.

۲. مفهوم صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

صلاحیت دادگاه عبارت است از «توانایی و شایستگی قانونی دادگاه برای رسیدگی به دعوا یا امری».^۱ صلاحیت دادگاه با توجه به دخالت عامل خارجی به دو نوع صلاحیت داخلی و صلاحیت بین‌المللی تقسیم می‌شود. صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها وقتی مطرح می‌شود که صلاحیت دادگاه‌های یک کشور به اشخاص و امور خارج از قلمروی جغرافیایی آن کشور گسترش یابد. بنابراین منظور از این نوع صلاحیت، شایستگی دادگاه برای رسیدگی به دعوی است که در آن حداقل یک عامل خارجی وجود دارد یا به عبارت دیگر دعوا، بین‌المللی باشد. عنصر خارجی ممکن است تابعیت طرفین قرارداد، محل وقوع مال، محل وقوع عقد و ... باشد که دعوی مزبور را به بیش از یک کشور مرتبط سازد.^۲ چنانچه در صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به یک دعوا، عامل خارجی دخالت نداشته باشد و صلاحیت دادگاه محدود به اشخاص و پدیده‌های واقع در قلمرو جغرافیایی آن باشد، صلاحیت دادگاه از نوع صلاحیت داخلی^۳ خواهد بود.^۴ در دیکشنری حقوقی بلک، صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها^۵ «شایستگی یک دادگاه برای اعمال حاکمیت خود فراتر از محدودیت‌های سرزمینی یا خارج از قلمرو خود» تعریف شده است.^۶

برخی حقوق‌دانان^۷ معتقدند که منظور از صلاحیت عام^۸ یا صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها «صلاحیت دادگاه‌های یک کشور در مقابل دادگاه‌های کشورهای دیگر است». حقوق‌دان

۱. شاه حیدری‌پور، محمدعلی، *آیین دادرسی مدنی - صلاحیت دادگاه - مطالعه حقوق ایران و تطبیق با حقوق انگلستان*، تهران: آداک، ۱۳۹۱، ص ۶۷.

۲. حداد، حفیظه، *القانون الدولي الخاص*، الجزء الاول، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۲، ص ۱۰.

3. Internal Jurisdiction/Territorial Jurisdiction.

۴. شاه حیدری‌پور، محمدعلی، پیشین، ص ۲۱۱؛ منزلاوی، صالح جاد، *الاختصاص القضائي بالمنازعات الخاصة الدولية و الاعتراف و التنفيذ الدولي للاحكام الاجنبية*، القاهرة: منشورات دارالجمعه الجديده، ۲۰۰۸، ص ۲۵.

5. Extra territorial Jurisdiction.

6. Garner, B. A(chief editor), *Black's Law Dictionary*, (9th ed), US: Thomson West, 2009, p.929.

۷. صفایی، سیدحسین، *مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: میزان، ۱۳۷۴، ص ۱۸۱.

۸. اصطلاح «صلاحیت عام» در مقابل اصطلاح «صلاحیت خاص» به کار می‌رود و منظور از صلاحیت خاص این است که بعد از آنکه صلاحیت دادگاه‌های یک کشور برای رسیدگی به یک دعوی بین‌المللی معلوم شد (صلاحیت ←

دیگری^۱ قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را قواعد مربوط به حل تعارض دادگاه‌ها، تعیین صلاحیت بین‌المللی یا صلاحیت عام دانسته و معتقد است که با استفاده از این قواعد مشخص می‌شود که دادگاه کدام یک از کشورهایی که موضوع به نحوی با آنها ارتباط پیدا می‌کند، برای رسیدگی صالح است.

در هر حال، تعریف اخیر و همچنین اصطلاح تعارض دادگاه‌ها قابل تأمل است و به نظر دقیق نیست؛ زیرا از این تعاریف به نظر می‌رسد که دادگاه‌های کشورها در یک رقابت دائمی بوده، دادگاه‌های هر کشوری می‌خواهد به دعوا رسیدگی کند و صلاحیت دادگاه‌های دیگر را نادیده انگارد. این در حالی است که مسئله تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی بین‌المللی همانند مسئله تعارض قوانین نیست. قواعد تعارض قوانین کشورها قواعدی دوجانبه‌اند که ممکن است قانون ملی آن کشور یا قانون کشور دیگری را تعیین نموده، بر یک دعوی بین‌المللی خصوصی حاکم نمایند؛ اما قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها قواعد یک جانبه‌اند. این قواعد صرفاً به تعیین جهات صلاحیت دادگاه‌های کشور خود می‌پردازند و به صلاحیت دادگاه‌های کشورهای دیگر توجهی ندارند. به عبارت دیگر، مطابق قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، دادگاه‌های یک کشور یا صلاحیت رسیدگی به یک دعوی بین‌المللی را دارند یا این صلاحیت را ندارند و قاضی در این مرحله فقط به این مسئله توجه دارد که آیا دادگاه‌های کشور او مطابق قواعد نظام حقوقی اش صلاحیت رسیدگی به این دعوا را دارند یا خیر؟ چنانچه صلاحیت داشته باشند به دعوا رسیدگی می‌کنند و اگر صلاحیت نداشته باشند، در این صورت قاضی فقط عدم صلاحیت دادگاه‌های کشور خود را اعلام می‌کند و تعیین نمی‌کند که دادگاه کدام کشور برای رسیدگی به این دعوا صالح است. بنابراین، برخی تعاریف ارائه شده با مفهوم واقعی قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها سازگاری ندارند. با در نظر گرفتن وصف یک‌جانبه بودن قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، به نظر می‌رسد در تعریف قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها می‌توان گفت: «قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها قواعدی هستند که با استفاده از آنها

→ عام)، در مرحله بعد به قواعد آیین دادرسی کشور صاحب صلاحیت مراجعه می‌شود و براساس آن معلوم می‌گردد که کدام یک از دادگاه‌های داخلی آن کشور صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارند.

۱. ارفع‌نیا، بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوصی - تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها*، جلد ۲، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳، ص ۱۷۹.

مشخص می‌شود که در چه مواردی دادگاه‌های ملی صلاحیت رسیدگی به دعاوی خصوصی بین‌المللی (مدنی، تجاری و احوال شخصیه) دارند.^۳

۳. حاکمیت اراده و توافق صلاحیت

شرط صلاحیت^۱ یا توافق صلاحیت^۲ یا موافقت‌نامه^۳ انتخاب دادگاه^۴ مصداق عملی و واقعی اعمال حاکمیت اراده اشخاص در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌هاست. پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در موضوع صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها منجر به این می‌شود که اشخاص بتوانند در قراردادهای بین‌المللی، شرط صلاحیت را درج نمایند. مطابق شرط صلاحیت، طرفین هر قراردادی با توافق یکدیگر، مرجع قضایی رسیدگی کننده به دعوا را تعیین می‌کنند. آنها با درج شرطی ضمن قرارداد اصلی، مانند بیع یا انعقاد قرارداد مستقلی، مرجع یا مراجع قضایی یک یا چند کشور را برای رسیدگی به تمام یا بخشی از دعاوی خود انتخاب می‌کنند.^۴ در نتیجه یک توافق صلاحیت، صلاحیت یک دادگاه صالح نادیده انگاشته می‌شود و صلاحیت رسیدگی به دعوا به دادگاه کشور دیگری اعطا می‌گردد. دادگاه منتخب یا ممکن است در اصل، دادگاه صالح به رسیدگی به دعوا باشد و یا ممکن است در اصل، فاقد صلاحیت باشد. هدف اطراف توافق از انتخاب دادگاهی که در اصل، صالح است، این است که هر اختلافی در خصوص تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی آنها (در فرض وجود دادگاه‌های صالح متعدد) برطرف گردد. همچنین هدف اطراف از انتخاب دادگاهی که در اصل فاقد صلاحیت است، این است که دعاوی خود را در دادگاه مستقل و بی‌طرفی که برای رسیدگی به اختلاف خود تعیین می‌نمایند، دنبال کنند.^۵

1. Jurisdiction Clause.
2. Jurisdiction Agreement/ Agreement on Jurisdiction.
3. Choice of Court Agreement.

۴. شایگان، اسماعیل، *شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌المللی خصوصی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷، ص ۲۷.

۵. محمدخلیل، خالد عبدالفتاح، *تعاضم دور الارادة فی القانون الدولي الخاص*، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیه، ۲۰۱۴، ص ۱۷۲.

پس از بررسی نقش حاکمیت اراده در تعیین دادگاه صالح به رسیدگی و به تبع در تعیین قانون حاکم بر دعوا، پرسش مهم این است که آیا تأثیر حاکمیت اراده اشخاص در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در نظام‌های حقوقی دنیا مورد پذیرش است؟ تا چه اندازه اراده اطراف قراردادهای بین‌المللی در تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از روابط حقوقی میان آنها نقش دارد؟ در ادامه به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود.

در خصوص نقش حاکمیت اراده سه دیدگاه میان نظام‌های حقوقی مشاهده می‌شود:

۳.۱. دیدگاه عدم پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها

بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا تا اواخر قرن بیستم، توافق اشخاص در خصوص تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را به دلیل رعایت اصل حاکمیت مطلق دولت‌ها^۱ قابل قبول نمی‌دانستند. دیدگاه غالب در آن دوران این بود که صلاحیت قضایی هر دولت از مهم‌ترین موارد اعمال حاکمیت دولت‌ها محسوب می‌شود و به دلیل رعایت حاکمیت دولت‌ها، اشخاص در روابط خصوصی بین‌المللی از تغییر قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها محروم‌اند.^۲ در آن دوران، حقوق دانان معتقد بودند که قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مرتبط با نظم عمومی است و لذا توافقات اشخاص برای تغییر قواعد مزبور قابل قبول نیست.^۳ علاوه بر این، «تحقق عدالت یکی از وظایف و تکالیف دولت است که توسط دادگاه‌های ملی انجام می‌شود و اگر دولت اقامه دعوا را در اختیار اشخاص قرار داده، این بدان معنا نیست که دادگاه‌ها فقط مصلحت خاص اشخاص را مدنظر قرار می‌دهند، بلکه دادگاه‌ها برای تحقق مصلحت و منافع عمومی که همانا حفظ امنیت و نظام کشور است، تلاش می‌کنند. اگر دولت اقامه دعوا را در اختیار اشخاص قرار داده، این در واقع به این معنی است که مصلحت شخص با مصلحت جامعه تعارضی ندارد، ولی معنی‌اش این نیست که

1. Principle of Absolute Sovereignty.

۲. الروبی، محمد، *دور الإرادة فی تحديد الاختصاص القضائي الدولي*، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیة، ۲۰۰۸، ص ۱۳.

۳. در همین راستا در قانون آیین دادرسی مدنی کشور امارات متحده عربی، شماره ۱۱ مصوب سال ۱۹۹۲، در مواد ۲۰ تا ۲۳ جهات صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های این کشور بیان شده و در ماده ۲۴ تصریح گشته که هر توافقی خلاف قواعد فوق باطل و بلااثر است.

اشخاص بتوانند دادگاه‌های ملی را کنار بگذارند و در دادگاه یک کشور خارجی یا در هیئت داورى در خارج از کشور، دعواى خود را مطرح کنند. دولت صلاحیت دادگاه‌های خود را تعیین می‌کند و در این تعیین، مصلحت و منفعت عام را رعایت می‌نماید، این مصلحت، تحقق عدالت است و دولت هیچ مرجعی جز دادگاه‌های خود را قادر به تحقق این عدالت نمی‌بیند.^۱

۳.۲. دیدگاه پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی

همان‌طور که اشاره گردید، در گذشته این اعتقاد رواج داشت که قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مربوط به مسئله نظم عمومی است. بنابراین نقش حاکمیت اراده در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها انکار می‌گردید؛ اما با توجه به رویکرد برخی نظام‌های حقوقی و رویه قضایی آنها روشن می‌شود که در حال حاضر در اغلب نظام‌های حقوقی چنانچه توافق صلاحیت منجر به سلب صلاحیت از دادگاه‌های ملی شود، حاکمیت اراده نادیده گرفته می‌شود و چنین توافقی معتبر محسوب نمی‌شود؛ اما چنانچه توافق صلاحیت منجر به اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی گردد، این توافق صحیح و معتبر تلقی می‌شود.^۲

اتخاذ چنین رویکردی شائبه خودخواهی قانون‌گذار را مطرح می‌سازد. طرف‌داران دیدگاه تجویز اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی و عدم تجویز سلب صلاحیت از دادگاه‌های ملی در پاسخ به ایراد خودخواهی بیان داشتند که پذیرش نقش اراده اشخاص در اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی و انکار نقش آن در سلب صلاحیت از دادگاه‌های ملی یک نتیجه بدیهی و منطقی است؛ چراکه با عدم وجود سازمان بین‌المللی متولی توزیع صلاحیت بین دادگاه‌های کشورها، هر کشوری مختار است که قواعدی برای صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود وضع نماید؛ مگر اینکه متعهد به معاهده‌ای باشد که قواعدی برای صلاحیت بین‌المللی مقرر نموده است.^۳ برخی حقوق‌دانان^۴ این توجیه را قانع‌کننده ندانسته‌اند و پاسخ می‌دهند که چنانچه قواعد

۱. عبدالله، عزالدین، *القانون الدولي الخاص*، الجزء الثاني، القاهرة: منشورات الهيئة العامة للكتاب، ۱۹۸۶، ص ۷۳۹.

۲. ماده ۹ قانون آیین دادرسی مدنی سوریه شماره ۱، مصوب ۲۰۱۶ و ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی اردن مصوب ۱۹۸۸ از جمله مقرراتی هستند که توافق بر اعطای صلاحیت به دادگاه‌های کشورهای خود را معتبر می‌شمارند گر چه دادگاه‌های این کشورها در اصل، صالح به رسیدگی نباشند.

۳. صادق، هشام، *تنازع الاختصاص القضائي الدولي*. الاسكندرية: منشورات منشأة المعارف، ۱۹۷۲، ص ۵۶.

۴. عبدالعال، عكاشه، *الاجراءات المدنية والتجارية الدولية في دولة الامارات العربية المتحدة*، بيروت: منشورات الحلبي الحقوقية، ۲۰۰۰، ص ۷۰.

صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها از جمله قواعد مربوط به نظم عمومی است، این امر مستلزم این است که اراده اشخاص نقشی در تغییر این قواعد نداشته باشد. در این صورت، با توسل به چه مبنای حقوقی می‌توان گفت که اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی قابل قبول است و سلب آن قابل قبول نیست. در مقابل، طرف‌داران دیدگاه تجویز اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی و عدم تجویز سلب صلاحیت از دادگاه‌های ملی بیان داشتند که اعتبار توافق اشخاص برای اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی بدین معنا نیست که قواعد صلاحیت ربطی به نظم عمومی ندارد. قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها از جمله قواعد مربوط به نظم عمومی هستند، بنابراین توافق اشخاص برخلاف آنها مقدور نیست؛ با این حال، ممکن است قانون‌گذار با توجه به اینکه هدف این قواعد، حمایت از مصالح خصوصی اشخاص و تسهیل معاملات تجاری بین‌المللی است و با وجود ارتباط قواعد صلاحیت به نظم عمومی، به اشخاص اجازه دهد که صلاحیت را به دادگاه‌های ملی «در صورتی که فاقد صلاحیت باشند» اعطا کنند.^۱

با این توجیه، این پرسش مطرح می‌شود که چرا قانون‌گذار توجه نداشته که در مواردی ممکن است مصلحت اشخاص اقتضا کند صلاحیت یک دادگاه خارجی را بر صلاحیت دادگاه ملی ترجیح دهند؟ آیا همواره رسیدگی دادگاه‌های ملی از رسیدگی دادگاه‌های کشورهای دیگر منصفانه‌تر و عادلانه‌تر است؟ چرا اشخاص نمی‌توانند در صورت صالح بودن دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به دعوای بین‌المللی، دادگاه کشور دیگری را صالح بدانند؟ به‌نظر می‌رسد تعصب و دیدگاه بدبینانه و شک و تردید نسبت به دادگاه‌های کشورهای دیگر ناشی از این عقیده است که حاکمیت دولت‌ها اساس فلسفی حقوق بین‌المللی خصوصی محسوب می‌شود و هر کشوری قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود را برای دفاع از آن حاکمیت وضع می‌کند. در حالی که به نظر می‌رسد امروزه اعتقاد این است که هدف دولت‌ها از وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، دفاع از حاکمیت خود در برابر حاکمیت کشورهای دیگر نیست، بلکه هدف از وضع این قواعد، تنظیم روابط خصوصی بین‌المللی اشخاص و فراهم کردن تسهیلات و حل مشکلاتی است که در این زمینه وجود دارد.^۲ توجه به همین تحولات در سطح بین‌المللی در کنار توجه به مقتضیات

۱. سلامه، احمد عبدالکریم، *فقه المرافعات المدنیة الدولية*، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیة، ۲۰۰۰، ص ۱۳۶.

۲. الروبی، محمد، پیشین، صص ۲۹-۳۲.

تجارت بین‌المللی و رعایت مصالح مشروع اشخاص باعث شد که داوری در قراردادهای بین‌المللی به عنوان وسیله‌ای برای حل و فصل اختلافات رواج پیدا کند. در نتیجه امروزه اشخاص می‌توانند دادگاه‌های ملی را کنار بگذارند و به داوری برای حل و فصل اختلافات خود رجوع نمایند.^۱

باید از مخالفین پذیرش تأثیر اراده در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها پرسید، چرا رجوع اشخاص به داوری برای حل و فصل اختلافات خود باعث نگرانی دادگاه‌های ملی نمی‌شود، اما رجوع به دادگاه کشور دیگری باعث نگرانی دادگاه‌های ملی می‌شود؟ ریشه این نظر به اصل حاکمیت مطلق دولت‌ها برمی‌گردد. به هر حال، باید در نظر داشت که داوری، قضاوتی خاص محسوب می‌شود، اما وقتی طرفین به یک دادگاه در کشور خارجی رجوع می‌کنند، آن دادگاه با دادگاه ملی از حیث ماهیت تفاوتی ندارد، پس چرا اشخاص می‌توانند صلاحیت دادگاه‌ها را نادیده بگیرند و به داوری رجوع کنند، اما نمی‌توانند به دادگاه کشور دیگری رجوع کنند، با اینکه دادگاه خارجی از حیث ماهیت با دادگاه ملی فرقی نمی‌کند. همچنین اشخاص آن را با رضایت کامل انتخاب کرده‌اند و اراده اشخاص هم در داوری و هم در توافق بر دادگاه صالح وجود دارد. به این معنی که اساس و سبب مشروعیت هر دو یکسان است و اثر هر دو تقریباً یکسان است و آن سلب صلاحیت از دادگاه‌های ملی است.^۲

به هر حال، رواج داوری در دنیای امروز در کنار سایر تغییرات در سطح بین‌المللی و در اساس فلسفی حقوق بین‌المللی خصوصی، در پذیرش نقش اراده اشخاص در سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ملی به نفع دادگاه‌های سایر کشورها تأثیر بسزایی داشته است.

۳.۳. دیدگاه پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در اعطای صلاحیت و سلب صلاحیت

بین‌المللی دادگاه‌ها

همان‌گونه که بیان گردید، تحولات عرصه بین‌المللی تأثیر مثبتی بر تأثیر حاکمیت اراده در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها داشته است و امروزه بسیاری از حقوق‌دانان و نظام‌های حقوقی

۱. محمدخلیل، خالد عبدالفتاح، پیشین، ص ۱۷۱.

۲. الروبی، محمد، پیشین، ص ۴۴.

می‌پذیرند که اشخاص می‌توانند به منظور رفع اختلافات آتی و تأمین مصلحت خویش با توافق با یکدیگر، صلاحیت دادگاه‌های کشوری را به نفع دادگاه کشور دیگری سلب کنند.

دنیای امروز، دنیای جهانی شدن است و با توجه به همین موضوع، برخی حقوق‌دانان^۱ معتقدند که باید بین دو مسئله توازن برقرار نمود. مسئله نخست ضرورت همکاری قضایی بین‌المللی برای حمایت از حقوق مشروع انسان‌ها در اختلافات بین‌المللی خصوصی و جلوگیری از تعارض احکام قضایی صادره در این‌گونه اختلافات است. مسئله دیگر توجه به مقتضیات حاکمیت ملی دولت‌ها و موضوع نظم عمومی است. امروزه نمی‌توان گفت که چون قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مرتبط با نظم عمومی است، حاکمیت اراده در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها نقشی ندارد. در دوران معاصر، باید بین مقتضیات نظم عمومی و مصالح مشروع اشخاص توازن برقرار نمود. به عبارت دیگر، حتی اگر قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مربوط به نظم عمومی محسوب شود، این موضوع فی‌نفسه مستلزم انکار تأثیر اراده اشخاص نیست. دولت‌ها می‌توانند در خصوص صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها قواعد روشنی را وضع کنند و نقش اراده اطراف را در این موضوع روشن نمایند. به عنوان مثال، دولت‌ها می‌توانند در قوانین خود تبیین کنند که در چه مواردی توافق انتخاب دادگاه، معتبر است و شرایط شکلی و ماهوی صحت چنین توافقی کدام‌اند. در این صورت، چنانچه توافق صلاحیت طبق قانون کشور مورد نظر منعقد شود، هم مقتضیات نظم عمومی و حاکمیت دولت حفظ می‌شود و هم مصالح مشروع اطراف و مقتضیات تجارت بین‌المللی رعایت می‌گردد.^۲

افزون بر این، امروزه عقیده بسیاری از حقوق‌دانان در خصوص مفهوم نظم عمومی تغییر یافته است. برخی حقوق‌دانان^۳ بر این باورند که «ایده نظم عمومی پیچیده‌ترین ایده در علم حقوق است که تعریف آن دشوار بوده و همچنین تعیین مفهوم آن تقریباً غیرممکن است» و فهم ایده نظم عمومی در چارچوب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها باید با لحاظ هدف اصلی از وضع

۱. صادق، هشام، *مدی حق القضاء المصری فی التخلی عن اختصاصه فی المنازعات المدنیة و*

التجاریة، ۲۰۱۴، ص ۵، قابل دسترسی در: <http://cutt.us/uYLIIm>

۲. محمدخلیل، خالد عبدالفتاح، پیشین، ص ۱۷۰.

۳. الجداوی، ۱۹۸۶، صص ۱۴۹ و ۱۵۵ به نقل از خالد، هشام، *قواعد الاختصاص القضائی الدولی و تعلقها*

بالنظام العام، الاسکندریه: منشورات المعارف، ۲۰۰۰، صص ۸۰ و ۸۲.

قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها که توزیع صلاحیت برای رسیدگی به اختلافات بین‌المللی بین دادگاه‌های کشورهای دنیا است، مدنظر قرار گیرد. از آنجا که در حال حاضر هیچ سازمان بین‌المللی یا منطقه‌ای مکلف به توزیع این صلاحیت در میان کشورها نیست، هر کشوری قواعد خاصی برای صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های خود وضع می‌کند، ولی این بدان معنا نیست که کشورها این صلاحیت را احتکار کنند؛ چراکه احتکار صلاحیت باعث انزوای کشور می‌شود. همچنین بعضی^۱ بیان می‌دارند: «باید از به‌کار بردن اصطلاحات مبهم مانند اصطلاح نظم عمومی اجتناب نمود. چنین اصطلاحی مسئله پیچیده ما را پیچیده‌تر می‌کند و لذا نمی‌توان قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را قواعد مربوط به نظم عمومی توصیف نمود». به هر حال، حتی اگر پذیرفته شود که قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مرتبط به نظم عمومی است، این بدان معنی نیست که در همه موارد این ارتباط وجود دارد. اگرچه در برخی موارد دادگاه کشوری صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوا دارد و در نتیجه صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به این‌گونه دعاوی مربوط به نظم عمومی است، اما در غیر از موارد صلاحیت انحصاری، صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مربوط به نظم عمومی محسوب نمی‌شود، در نتیجه بهتر است به جای استفاده از مفهوم مبهم نظم عمومی در صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها از مفاهیم روشنی مانند صلاحیت انحصاری دادگاه استفاده شود.

۴. پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در مقررات برخی کشورها

حاکمیت اراده اشخاص در سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در برخی نظام‌های حقوقی صراحتاً پذیرفته شده است. به عنوان مثال، در ماده ۵ قانون حقوق بین‌المللی خصوصی تونس مصوب ۱۹۹۸ مقرر شده است دادگاه‌های تونس در موارد زیر صلاحیت دارند: «...۲- چنانچه موضوع دعوا راجع به قراردادی باشد که در تونس منعقد شده یا تعهد باید در آنجا انجام شود مگر اینکه قرارداد مزبور شرط توافق بر صلاحیت دادگاه خارجی داشته باشد».

۱. عبدالعال، ۱۹۹۲، صص ۲۹۲-۳۱۵ به نقل از خالد، هشام، پیشین، ص ۱۲۹.

در حقوق ترکیه نیز ماده ۴۷ قانون آیین دادرسی و حقوق بین‌الملل خصوصی مصوب ۲۰۰۷^۱ توافق اطراف برای سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ترکیه به نفع دادگاه کشور دیگری را پذیرفته است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «۱. جز در مواردی که صلاحیت دادگاه طبق اصول صلاحیت انحصاری تعیین شده است، اطراف می‌توانند در اختلافات دارای عنصر خارجی و راجع به تعهدات بر صلاحیت دادگاه خارجی تراضی نمایند... فقط در موردی که دادگاه خارجی، عدم صلاحیت خود را اعلام نموده و یا اعتراضی در خصوص صلاحیت دادگاه‌های ترکیه ارائه نشود، دادگاه صالح ترکیه صلاحیت رسیدگی به دعوا خواهد داشت. ۲. توافق اطراف نمی‌تواند صلاحیت دادگاه‌ها را که در مواد ۴۴، ۴۵ و ۴۶ تعیین شده نادیده گیرد».

قانون‌گذار ایتالیا در ماده ۴ قانون حقوق بین‌المللی خصوصی ایتالیا مصوب ۱۹۹۵^۲ نقش حاکمیت اراده اشخاص در زمینه صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، یعنی اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی و سلب صلاحیت از آنها را پذیرفته است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «۱- چنانچه دادگاه‌های ایتالیا مطابق ماده ۳، صلاحیت برای رسیدگی به دعوا نداشته باشند، در این صورت اگر اشخاص توافق کردند و صلاحیت را به دادگاه‌های ایتالیا اعطا کردند، دادگاه‌های ایتالیا صلاحیت خواهند داشت، ... ۲- اشخاص می‌توانند توافق کنند و صلاحیت دادگاه‌های ایتالیا را سلب نمایند و آن را به دادگاه یا داوری خارجی اعطا کنند، به شرط اینکه توافق مزبور مکتوب بوده و راجع به حقوق قابل انتقال باشد، ۳- چنانچه دادگاه یا داوران مورد توافق، صلاحیت را قبول نمایند یا قادر بر استماع دعوا نباشند، سلب صلاحیت بلااثر خواهد شد».

در مصر با وجود اینکه قانون مصر در مورد امکان سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های مصر به نفع دادگاه واقع در کشور خارجی ساکت است، اما اتاق مدنی و بازرگانی دیوان عالی کشور مصر با توجه به تحولات حاصل در سطح بین‌المللی و با توجه به مقتضیات تجارت بین‌المللی در سال ۲۰۱۴ برای اولین بار در تاریخ این کشور، رأی صادر نموده و در آن اعلام داشته است که چنانچه اشخاص در یک دعوای بین‌المللی خصوصی توافق نمودند و صلاحیت رسیدگی به آن را

1. The Act on International Private and Procedural Law (2007/No. 5718).
2. Reform of the Italian System of Private International Law (1995/No218).

به دادگاه خارجی اعطا کردند، اگر دعوی موضوع توافق، ارتباط جدی و اساسی به کشور مصر نداشته باشد، دادگاه‌های مصر می‌توانند از صلاحیت خود به نفع دادگاه مورد توافق عدول کنند.^۱ همچنین در حقوق ایران با وجود سکوت قانون در خصوص امکان سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران به نفع دادگاه کشور دیگری، آرای از دادگاه‌های ایران صادر شده و در آن سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌های ایران با توجه به اصل حاکمیت اراده پذیرفته شده است. برای مثال، می‌توان به دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۰۲۲۷۲۰۰۷۶۵ مورخ ۱۳۹۴/۹/۲ شعبه ۱۲ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی تهران،^۲ دادنامه بدوی شماره ۹۱۰۱۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۰ صادره از شعبه ۳ دادگاه عمومی (حقوقی) تهران^۳ و دادنامه بدوی شماره ۹۱۰۱۱۸۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۸ صادره از شعبه ۲۷ دادگاه عمومی (حقوقی) تهران^۴ اشاره کرد.

۵. پذیرش حاکمیت اراده اشخاص در سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی و مقررات اتحادیه اروپا

حاکمیت اراده اشخاص در سلب صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها مورد توجه کنفرانس حقوق بین‌المللی خصوصی لاهه^۵ قرار گرفته است. کنفرانس مزبور سه کنوانسیون در زمینه توافق بر صلاحیت دادگاه تصویب نموده است:

۱. صادق، هشام، *مدی حق القضاء المصری فی التخلی عن اختصاصه فی المنازعات المدنیة و التجاری*، ۲۰۱۴، ص ۳، قابل دسترسی در: <http://cutt.us/uYLIIm>
۲. برای مطالعه متن کامل این رأی رک: پیری، فرهاد، *حقوق تجارت بین‌الملل در رویه قضایی ایران*. تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۵، صص ۳۸-۴۹.
۳. برای مطالعه متن کامل این رأی رک: پیری، فرهاد، پیشین، پاورقی ص ۴۶.
۴. در بررسی و تحلیل این رأی رک: مقصودی، رضا، *توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی: توجیه و نقد رویه قضایی*، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، ۱۳۹۴، شماره ۱۱، صص ۵۹-۷۱؛ نجفی، حمیدرضا، *گزارش نشست نقد رأی: اعتبار توافق راجع به محکمه صالح در قراردادهای بین‌المللی نقد رأی دادگاه‌های تجدید نظر استان تهران*، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، دوره ۲، ۱۳۹۲، صص ۱۵۷-۱۶۹.
۵. کنفرانس حقوق بین‌المللی خصوصی لاهه مهم‌ترین سازمان فعال در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی است. این کنفرانس دائمی در سال ۱۸۹۳ تأسیس گردید (کوپنول - لافورس، ۱۳۷۹، صص ۲۱-۲۲) و در سال ۱۹۵۵ به یک ←

۵.۱. کنوانسیون لاهه راجع به صلاحیت دادگاه منتخب در رسیدگی به بیع بین‌المللی کالا ۱۹۵۸

کنفرانس لاهه در ۱۵ آوریل ۱۹۵۸ کنوانسیون راجع به صلاحیت دادگاه منتخب برای رسیدگی به بیع بین‌المللی کالا^۱ را تصویب نمود. ماده ۲ کنوانسیون مذکور مقرر داشته است: «۱- چنانچه اطراف قرارداد بیع، صراحتاً دادگاه یا دادگاه‌های یک کشور متعهد را برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قرارداد مزبور یا دعاوی که احتمالاً از قرارداد مزبور ایجاد خواهند شد، انتخاب نمودند، در این صورت دادگاه منتخب صلاحیت انحصاری خواهد داشت و هر دادگاه دیگری باید عدم صلاحیت خود را اعلام نماید.....». بنابراین کنوانسیون مزبور حاکمیت اراده اطراف در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را معتبر شناخته است. طبق ماده مزبور، اشخاص می‌توانند دادگاه کشور عضو متعهد را برای رسیدگی به دعاوی راجع به بیع بین‌المللی کالا انتخاب کنند. این انتخاب به دادگاه منتخب صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعاوی موضوع توافق صلاحیت می‌دهد و از هر دادگاه دیگری سلب صلاحیت می‌نماید. در هر حال این کنوانسیون تاکنون لازم‌الاجرا نشده است.

۵.۲. کنوانسیون لاهه راجع به انتخاب دادگاه ۱۹۶۵

کنفرانس لاهه در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۵ کنوانسیون لاهه دربارهٔ توافق انتخاب دادگاه^۲ را تصویب نمود. طبق ماده ۱ این کنوانسیون، در محدودهٔ اعمال این کنوانسیون، اشخاص می‌توانند برای رسیدگی به اختلافاتی که بین آنها به وجود آمده است یا در آینده به وجود خواهد آمد، دادگاه رسیدگی‌کننده را انتخاب کنند و دادگاه مورد توافق می‌تواند: ۱- دادگاه‌های یکی از کشورهای متعهد باشد، در این صورت دادگاه صالح توسط حقوق داخلی کشور عضو این کنوانسیون معین می‌شود. ۲- دادگاه یک کشور متعهد به‌طور صریح در توافق صلاحیت معین گردد، به شرط

→ سازمان بین‌المللی تبدیل شد. مطابق ماده ۱ اساسنامهٔ کنفرانس حقوق بین‌المللی خصوصی لاهه، هدف این کنفرانس تلاش برای یکسان‌سازی قواعد حقوق بین‌المللی خصوصی است.

1. Convention of 15 April 1958 on the Jurisdiction of the Selected Forum in the Case of International Sales of Goods.

2. Convention of 25 November 1965 on the Choice of Court.

اینکه تعیین مزبور، مخالف با قواعد صلاحیت آن کشور نباشد. این کنوانسیون در سال ۱۹۶۵ توسط اسرائیل امضا شده و تا امروز توسط هیچ کشوری امضا و تصویب نشده است.

۵.۳. کنوانسیون لاهه راجع به توافق انتخاب دادگاه ۲۰۰۵

بعد از گذشت چهل سال از تصویب کنوانسیون لاهه ۱۹۶۵ راجع به انتخاب دادگاه، کنفرانس لاهه در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵ کنوانسیون لاهه درباره توافق‌های انتخاب دادگاه را تصویب نمود.^۱ این کنوانسیون از اول اکتبر ۲۰۱۵ لازم‌الاجرا شده است و مکزیک، سنگاپور، انگلستان و مونته‌نگرو و کشورهای عضو اتحادیه اروپا از متعاهدین آن هستند.

کنوانسیون لاهه ۲۰۰۵ بر اثر مثبت و منفی توافق انتخاب دادگاه تأکید نموده است. ماده ۵ کنوانسیون در مورد اثر مثبت توافق انتخاب دادگاه مقرر نموده است: «۱. دادگاه یا دادگاه‌های یکی از کشورهای متعاقد که به موجب موافقت‌نامه انحصاری انتخاب دادگاه تعیین می‌شود، صلاحیت برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق خواهد داشت، مگر اینکه طبق قانون دادگاه کشور عضو منتخب، موافقت‌نامه مزبور باطل باشد. ۲. دادگاه منتخب طبق بند ۱ این ماده نمی‌تواند به علت اینکه دادگاه کشور دیگری باید به دعوا رسیدگی کند، از خود نفی صلاحیت نماید...». ماده ۶ کنوانسیون در مورد اثر منفی توافق انتخاب دادگاه مقرر داشته است: «هرگاه دعوی موضوع توافق انحصاری انتخاب دادگاه در دادگاه یکی از کشورهای عضو کنوانسیون، به غیر از دادگاه منتخب مطرح گردد، دادگاه مزبور باید رسیدگی به دعوی موضوع توافق صلاحیت را متوقف کند یا کلاً از رسیدگی به آن خودداری نماید، مگر اینکه: الف) توافق صلاحیت طبق قانون کشور دادگاه منتخب، باطل باشد؛ ب) طبق قانون دادگاهی که دعوا در آن مطرح شده است، یکی از اطراف فاقد اهلیت برای انعقاد توافق صلاحیت باشد؛ ج) ترتیب اثر دادن به توافق صلاحیت منجر به بی‌عدالتی آشکار شود یا به‌طور آشکار مغایر با نظم عمومی کشوری که دعوی در دادگاه آن مطرح شده است، باشد؛ د) به دلایل استثنایی و خارج از کنترل اطراف، اجرای توافق به طور منطقی میسر و مقدور نباشد؛ ه) دادگاه منتخب تصمیم به عدم استماع دعوا گرفته باشد».

1. Convention of 30 June 2005 on Choice of Court Agreements.

علاوه بر کنوانسیون‌هایی که کنفرانس لاهه تصویب کرده و در آنها حاکمیت اراده اشخاص را در زمینه تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها معتبر شناخته است، در حوزه جغرافیایی قاره اروپا نیز کنوانسیون‌ها و مقرراتی تصویب شده و در آنها توافق بر صلاحیت دادگاه معتبر و محترم شمرده شده است. در ادامه شرح مختصری از این مقررات و کنوانسیون‌ها به ترتیب تاریخ تقدم ارائه می‌گردد.

۵.۴. کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸

کنوانسیون بروکسل درباره صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام در موضوعات مدنی و تجاری^۱ در ۲۷ سپتامبر ۱۹۶۸ توسط کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا (آلمان، فرانسه، ایتالیا، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ) منعقد و در یک فوریه ۱۹۷۳ لازم‌الاجرا گردید. این کنوانسیون در ماده ۱۷، صلاحیت توافقی یا توافق بر صلاحیت را به عنوان مبنای صلاحیت دادگاه‌های کشورهای عضو به رسمیت شناخته است. ماده مزبور مقرر می‌دارد: «چنانچه اطراف‌ی که یکی یا بیش از یکی از آنها دارای اقامتگاه در کشور عضو کنوانسیون باشد، توافق نمایند که دادگاه یا دادگاه‌های یک کشور عضو کنوانسیون، صلاحیت برای رسیدگی به اختلافات ناشی از یک رابطه حقوقی معین که به وجود آمده یا هنوز به وجود نیامده است، داشته باشد، آن دادگاه یا دادگاه‌ها دارای صلاحیت انحصاری خواهند بود...».

گرچه کنوانسیون بروکسل در زمینه همکاری قضایی، تجارت و سرمایه‌گذاری نتایج خوبی به بار آورد، از آنجا که معیار موفقیت برای اجرای یک کنوانسیون، عضویت تعداد قابل توجهی از کشورها در آن است، نیاز به تصویب کنوانسیون دیگری برای تحقق این امر احساس گردید که کنوانسیون لوگانو ۱۹۸۸ حاصل این احساس نیاز است.

۵.۵. کنوانسیون لوگانو ۱۹۸۸

کنوانسیون لوگانو راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام در موضوعات مدنی و تجاری^۲ در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۸ میان کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا و شش کشور عضو اتحادیه

1. Brussels Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters 1968.

2. Convention on Jurisdiction and the Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters 16 September 1988.

تجارت آزاد اروپا (سوئد، نروژ، اتریش، سوئیس، فنلاند و ایسلند) منعقد گردید. کنوانسیون لوگانو همان موضوعات مطرح در کنوانسیون بروکسل را پوشش می‌دهد و یک کنوانسیون موازی با کنوانسیون بروکسل محسوب می‌شود و در تنظیم ضوابط خود از قواعد کنوانسیون بروکسل استفاده کرده است. کنوانسیون لوگانو در مورد صلاحیت توافقی و توافق بر انتخاب دادگاه، همان ماده ۱۷ کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸ را تکرار نموده است.

در فوریه ۱۹۹۲، پیمان ماستریخت (پیمان اتحادیه اروپا) امضا و در اول نوامبر ۱۹۹۳ لازم الاجرا گردید. پیمان مزبور منجر به ایجاد اتحادیه اروپا شد که جایگزین جامعه اقتصادی اروپا گردید و سه کشور اتریش، سوئد و فنلاند از شش کشور اعضای اتحادیه تجارت آزاد اروپا در اول ژانویه ۱۹۹۵ به اتحادیه اروپا پیوستند^۱ و در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۶ توافقی برای پیوستن به کنوانسیون بروکسل منعقد کردند؛ بنابراین کنوانسیون بروکسل در این سه کشور نیز لازم الاجرا گردید و تعداد اعضای کنوانسیون لوگانو کاهش یافت و فقط بر روابط راجع به صلاحیت قضایی میان کشورهای عضو جامعه اروپا و سه کشور عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا حاکم ماند.^۲

معاهده اصلی اتحادیه اروپا که در ماستریخت امضا شد، می‌بایست در کنفرانس بین‌المللی در سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ مورد بررسی مجدد قرار می‌گرفت. در جریان کنفرانسی که در سال ۱۹۹۷ برگزار شد، دولت‌های عضو درباره تغییرات پیمان اتحادیه اروپا مذاکره کردند که نهایتاً به انعقاد پیمان آمستردام منجر گردید که از اول می ۱۹۹۹ لازم الاجرا شد.^۳ پس از انعقاد پیمان آمستردام تعدادی از کشورهای اروپای شرقی به اتحادیه اروپا پیوستند و برای اینکه مقررات کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸ در این کشورها نیز اجرا شود، باید به این کنوانسیون ملحق می‌شدند و این امر نیاز به طی مراحل قانونی در داخل این کشورها داشت و چنانچه احیاناً کنوانسیون مزبور به تصویب مقامات قانونی کشور مورد نظر نمی‌رسید، کنوانسیون برای این دسته از کشورها لازم‌الاجرا نبود. بنابراین به نظر می‌رسید که کنوانسیون‌ها برای یکسان‌سازی مقررات در

۱. تا امروز سوئیس، نروژ، ایسلند عضو اتحادیه اروپا نشده‌اند.

2. Briggs, A, Civil Jurisdiction and Judgments, (6th ed), New York: Routledge, 2015, p.8.

۳. کاتبرت، مایک، *حقوق اتحادیه اروپا*، ترجمه بهروز اخلاقی، وحید اشتیاق و پرویز پرویزیان، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۰، ص ۱۶۶.

کشورهای عضو اتحادیه اروپا مناسب نیستند، لذا شورای اتحادیه اروپا^۱ لازم دانست که قواعد راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام باید توسط اتحادیه صادر شود و در همه کشورهای عضو قابل اجرا باشد. در نتیجه شورای اتحادیه اروپا برای یکسان‌سازی قواعد اتحادیه اروپا راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام اقدام به وضع مقررات بروکسل یک ۴۴/۲۰۰۱ نمود. قبل از بررسی مقررات مذکور لازم به ذکر است که در نظام حقوقی اتحادیه اروپا، مقررات، مصوباتی هستند که به‌طور مستقیم و بدون نیاز به طی تشریفات بر کشورهای عضو و اشخاص حقیقی یا حقوقی آنها از تاریخی که در مقررات آمده، لازم الاجراست. بنابراین لازم نیست که این مقررات به تصویب مقامات قانونی کشورهای عضو برسند تا در کشور عضو لازم‌الاجرا شوند. همچنین کشورهای عضو اتحادیه نمی‌توانند قوانین مغایر با این مقررات وضع کنند.^۲

۵.۶. مقررات بروکسل یک ۴۴/۲۰۰۱

شورای اتحادیه اروپا مقررات بروکسل یک شماره ۴۴ راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام^۳ را در سال ۲۰۰۱ تصویب کرده است. مقررات بروکسل یک جایگزین کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸ در کشورهای عضو اتحادیه اروپا شده و به‌طور مستقیم در یک مارس ۲۰۰۲ در همه کشورهای عضو اتحادیه لازم‌الاجرا شده است.

مقررات بروکسل یک ۴۴/ ۲۰۰۱ شرط انتخاب دادگاه را معتبر می‌داند. ماده ۲۳ مقررات مزبور مقرر می‌دارد:

«۱. چنانچه اطراف‌ی که یکی یا بیش از یکی از آنها دارای اقامتگاه در یک کشور عضو است، توافق نمایند که دادگاه یا دادگاه‌های یک کشور عضو، صلاحیت رسیدگی به اختلافات ناشی از یک رابطه حقوقی معین که بوجود آمده یا هنوز بوجود نیامده است را دارد، آن دادگاه یا دادگاه‌ها، صلاحیت‌دار می‌شوند و صلاحیت مزبور صلاحیت انحصاری خواهد بود، مگر اینکه اطراف خلاف آن توافق کرده باشند... ۳. وقتی که چنین موافقت‌نامه‌ای توسط اطراف منعقد شده و هیچ‌کدام از

1. The Council of The European Union.

۲. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *حقوق اتحادیه اروپا*، تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۸۷، ص ۴۹؛ شیروی، عبدالحسین، *حقوق تطبیقی*، ویراست دوم، تهران: سمت، ۱۳۹۴، ص ۲۶۹.

3. Council Regulation (EC) No 44/2001 of 22 December 2000 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters.

آنها دارای اقامتگاه در کشور عضو نیست، دادگاه‌های کشورهای عضو دیگر دارای صلاحیت برای رسیدگی به آن نخواهند بود مگر اینکه دادگاه یا دادگاه‌های منتخب، صلاحیت را رد کرده باشند... ۵. موافقت‌نامه‌های راجع به صلاحیت در صورتی که با مفاد ماده ۱۳، ۱۷ و ۲۱ تعارض داشته باشند یا در صورتی که دادگاه‌هایی که از آنها سلب صلاحیت شده، طبق ماده ۲۲ صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق دارند، الزام قانونی ندارند».

بند یک ماده ۲۳ بروکسل یک از حیث ماهیت با ماده ۱۷ کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۸ تفاوتی ندارد. طبق بند یک ماده ۲۳ برای اینکه توافق انتخاب دادگاه مشمول مقررات بروکسل یک باشد، تحقق دو شرط ضروری است: اولاً حداقل یکی از اطراف توافق، اقامتگاه در یک کشور عضو اتحادیه داشته باشد؛ ثانیاً دادگاه یک کشور عضو اتحادیه انتخاب شده باشد.^۱ چنانچه اطراف، در یک کشور عضو اتحادیه اقامتگاه نداشته باشند، دادگاه کشور منتخب عضو اتحادیه نسبت به اعتبار و اجرای شرط صلاحیت نه براساس مقررات بروکسل یک، بلکه طبق سایر قواعد حقوق داخلی خود تصمیم خواهد گرفت.^۲ پس از تصویب این مقررات، به‌منظور اینکه مقررات کنوانسیون لوگانو ۱۹۸۸ با مقررات بروکسل یک ۴۴/۲۰۰۱ هماهنگ شود، نیاز به تغییراتی در مقررات کنوانسیون مزبور بود که همین امر به تصویب کنوانسیون لوگانو ۲۰۰۷ منجر گردید.

۵.۷. کنوانسیون لوگانو ۲۰۰۷

کنوانسیون لوگانو درباره صلاحیت شناسایی و اجرای احکام در موضوعات مدنی و تجاری^۳ در ۱۵ اکتبر ۲۰۰۷ میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد اروپا امضا گردید. این کنوانسیون در اول ژانویه ۲۰۱۰ در نروژ، در اول ژانویه ۲۰۱۱ در سوئیس و در

1. Delaygua, Q. F, "Changes to jurisdiction based on exclusive jurisdiction agreements under the Brussels I Regulation Recast". *Journal of Private International Law*. No.3, Vol. 11, 2015, p.381; Tang, Z. S, *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law (1sted)*, New York, Routledge, 2014, p.194.

2. Briggs, A, *Civil Jurisdiction and Judgments*, (6th ed), New York: Routledge, 2015, p.163; Tang, Z. S, *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law (1sted)*, New York, Routledge, 2014, p.194.

3. The Lugano Convention on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters.(2007).

اول می‌۲۰۱۱ در ایسلند لازم‌الاجرا شده است.^۱ این کنوانسیون همانند کنوانسیون لوگانو ۱۹۸۸ بر روابط راجع به صلاحیت قضایی میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کشورهای اتحادیه تجارت آزاد اروپا (ایسلند، نروژ و سوئیس) حاکم است.^۲ کنوانسیون لوگانو ۲۰۰۷ حاکمیت اراده اشخاص در انتخاب دادگاه را به رسمیت شناخته و در ماده ۲۳ راجع به توافق انتخاب دادگاه همان متن ماده ۲۳ مقررات بروکسل یک را تکرار کرده است.

۵.۸ مقررات بروکسل یک جدید ۲۰۱۲/۱۲۱۵

پس از مدتی از اجرای مقررات بروکسل یک پروژه‌ای در راستای اصلاح مقررات آن آغاز گردید و در نهایت در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ مقررات بروکسل یک جدید راجع به صلاحیت، شناسایی و اجرای احکام در موضوعات مدنی و تجاری^۳ توسط پارلمان و شورای اتحادیه اروپا تصویب شد که از ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵ در تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا لازم‌الاجرا شده است. همچنین طبق ماده ۸۰ آن، با اعمال این مقررات، مقررات بروکسل یک ۴۴/۲۰۰۱ لغو شده است. ماده ۲۵ مقررات بروکسل یک جدید ۱۲۱۵/۲۰۱۲ نیز صلاحیت توافقی را به رسمیت شناخته است. ماده ۲۵ مقرر می‌دارد: «۱. چنانچه اطراف، صرف‌نظر از اقامتگاه خود توافق کردند که دادگاه یا دادگاه‌های یک کشور عضو دارای صلاحیت برای رسیدگی به اختلافات ناشی از یک رابطه حقوقی معین که به‌وجود آمده یا هنوز به‌وجود نیامده است، باشند، آن دادگاه یا دادگاه‌ها دارای صلاحیت خواهند بود، مگر توافق مزبور مطابق قانون آن کشور عضو، باطل باشد و این صلاحیت، صلاحیت انحصاری خواهد بود، مگر اطراف خلاف آن توافق کرده باشند...»^۴. توافق صلاحیت در صورتی که با مفاد ماده ۱۹، ۱۵ و ۲۳ تعارض داشته باشد یا در صورتی که دادگاه‌هایی که از آنها سلب صلاحیت شده، طبق ماده ۲۴ صلاحیت انحصاری برای رسیدگی به دعوی موضوع توافق داشته باشند، الزام قانونی ندارد...».

1. Briggs, A, *Civil Jurisdiction and Judgments*, (6th ed), New York: Routledge, 2015, p.9.

2. Torremans, P, Grušić, U, Heinze, C, Merrett, L, Mills, A, García-Castrillón, C. O, Tang, Z. S, Trimmings, K and Walker, L, *North and Fawcett: Private International Law*, (15th), Oxford University Press, 2017, p.313.

3. The Regulation (EU) No 1215/2012 of the European Parliament and the Council of 12 December 2012 on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters ('Brussels I Recast').

در زمان اعمال ماده ۲۳ مقررات بروکسل یک، شرط اقامت یکی از اطراف توافق صلاحیت در کشور عضو اتحادیه اروپا، شرط اساسی برای اعمال ماده مزبور و در نتیجه پذیرش توافق بر صلاحیت دادگاه به‌شمار می‌آید و چنانچه این شرط محقق نمی‌گردد، دادگاه کشور عضو منتخب، نه براساس مقررات بروکسل یک، بلکه مطابق قانون داخلی کشور خود در مورد اعتبار شرط صلاحیت تصمیم‌گیری می‌نمود. همچنین مقررات بروکسل یک هیچ الزامی بر دادگاه برای قبول صلاحیت در این حالت تحمیل نمی‌نمود. در مقررات بروکسل جدید شرط اقامت یکی از اطراف توافق صلاحیت در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌عنوان شرط لازم برای صحت توافق صلاحیت حذف شده و حوزه اعمال شرط صلاحیت گسترده‌تر شده است. به این ترتیب، طبق ماده ۲۵ مقررات بروکسل جدید، چنانچه اطراف موافقت‌نامه، بر صلاحیت دادگاه یک کشور عضو اتحادیه اروپا توافق کرده باشند، صرف‌نظر از اقامتگاه آنان (خواه در اتحادیه اروپا اقامتگاه دارند و خواه در خارج از اروپا اقامتگاه دارند)، دادگاه منتخب طبق مقررات مزبور نسبت به توافق طرفین راجع به شرط صلاحیت تصمیم‌گیری خواهد کرد.^۱ طبق ماده مذکور مادام که دادگاه منتخب دادگاه کشور عضو اتحادیه اروپا باشد، رسیدگی دادگاه منتخب نسبت به شرط صلاحیت بر طبق ماده ۲۵ خواهد بود؛ اما چنانچه دادگاه منتخب، دادگاه کشور عضو اتحادیه نباشد، در این صورت مقررات بروکسل یک جدید اعمال نخواهد شد.^۲

1. Delaygua, Q. F, "Changes to jurisdiction based on exclusive jurisdiction agreements under the Brussels I Regulation Recast". *Journal of Private International Law*. No.3, Vol. 11, 2015, p.381.

2. Briggs, A, *Civil Jurisdiction and Judgments*, (6th ed), New York: Routledge, 2015, p.189.

نتیجه‌گیری

حاکمیت اراده نقش مهمی در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها دارد. اهمیت آن بدین دلیل است که از یک طرف در نظام حقوقی برخی کشورها با صراحت در مورد امکان توافق بر صلاحیت دادگاه در دعاوی بین‌المللی تعیین تکلیف نشده است و از سوی دیگر، برخی اندیشمندان موضوع تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها را مرتبط با حاکمیت دولت‌ها و نظم عمومی دانسته‌اند و توافق در این خصوص را غیرمعتبر می‌دانند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که امروزه برخلاف گذشته، توافق بر صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها در مقررات برخی کشورها و همچنین اسناد بین‌المللی و مقررات اتحادیه اروپا که بخش قابل توجهی از کشورها را پوشش می‌دهند، مورد قبول قرار گرفته است. این تغییر رویکرد بدان دلیل است که هدف از وضع قواعد صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها حفظ حاکمیت کشور در برابر حاکمیت کشورهای دیگر نیست، بلکه هدف تنظیم روابط خصوصی اشخاص و تسهیل امور آنهاست. همچنین امروزه تمامی قواعد صلاحیت دولت‌ها مرتبط با نظم عمومی نیست و امکان توافق برخلاف آنها وجود دارد. البته درخصوص پذیرش توافق بر سلب صلاحیت، همچنان محدودیت انحصاری نبودن صلاحیت دادگاه سلب صلاحیت شده مشاهده می‌شود. از این رو و با توجه به رویکرد بین‌المللی در مورد پذیرش اینگونه توافق‌ها، مناسب است تا نظام‌های حقوقی، از جمله ایران، با صراحت بیشتری در خصوص اعتبار توافق دادگاه موضع‌گیری نمایند تا نه فقط در زمینه انعقاد قراردادهای بین‌المللی میان اتباع آنها و اتباع سایر کشورها گشایش ایجاد شود، بلکه همپای تحولات جهانی در این حوزه گام بردارد.

فهرست منابع

منابع فارسی

کتاب

۱. ارفع‌نیا، بهشید، *حقوق بین‌الملل خصوصی - تعارض قوانین و تعارض دادگاه‌ها*، جلد ۲، تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۳.
۲. پیری، فرهاد، *حقوق تجارت بین‌المللی در رویه قضایی ایران*، تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۵.
۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی، *حقوق اتحادیه اروپا*، تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۸۷.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۶.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸.
۶. شاه حیدری پور، محمدعلی، *آیین دادرسی مدنی - صلاحیت دادگاه - مطالعه حقوق ایران و تطبیق با حقوق انگلستان*، تهران: آداک، ۱۳۹۱.
۷. شایگان، اسماعیل، *شرط صلاحیت قضایی در حقوق بین‌المللی خصوصی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۷.
۸. شیروی، عبدالحسین، *حقوق تطبیقی*، ویراست دوم، تهران: سمت، ۱۳۹۴.
۹. صفایی، سیدحسین، *مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی*، تهران: میزان، ۱۳۷۴.
۱۰. صفایی، سیدحسین، *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، جلد ۲، تهران: میزان، ۱۳۸۹.
۱۱. کاتبرت، مایک، *حقوق اتحادیه اروپا*، ترجمه بهروز اخلاقی، وحید اشتیاق و پرویز پرویزیان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۰.
۱۲. کوپنول-لافورس، ماریل، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، ترجمه مهدی حدادی، قم: مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۹.

مقاله

۱۳. مقصودی، رضا، **توافق بر دادگاه صالح در قراردادهای بین‌المللی: توجیه و نقد رویه قضایی**، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، ۱۳۹۴، شماره ۱۱.
۱۴. نجفی، حمیدرضا، گزارش نشست نقد رأی: اعتبار توافق راجع به محکمه صالح در قراردادهای بین‌المللی، نقد رأی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، فصلنامه رأی: مطالعات آرای قضایی، دوره دوم، ۱۳۹۲.

منابع عربی

۱۵. الروبی، محمد، **دور الارادة فی تحديد الاختصاص القضائي الدولي**، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیه، ۲۰۰۸.
۱۶. حداد، حفیظة، **القانون الدولي الخاص**، الجزء الاول، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۲.
۱۷. خالد، هشام، **قواعد الاختصاص القضائي الدولي و تعلقها بالنظام العام**، الاسكندریه: منشورات منشأ المعارف، ۲۰۰۰.
۱۸. سلامة، احمد عبدالکریم، **فقه المرافعات المدنيه الدوليہ**، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربیه، ۲۰۰۰.
۱۹. صادق، هشام، **تنازع الاختصاص القضائي الدولي**، الاسكندریه: منشورات منشأ المعارف، ۱۹۷۲.
۲۰. صادق، هشام، **مدى حق القضاء المصرى فى التخلی عن اختصاصه فى المنازعات المدنيہ و التجاریه**، ۲۰۱۴. قابل دسترسی در: <http://cutt.us/uYLIm>. تاریخ آخرین بازدید: ۱ شهریور ۹۷.
۲۱. عبدالعال، عکاشه، **الاجراءات. المدنيہ و التجاریہ الدوليہ فى دوله الامارات العربیہ المتحدہ**، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۰.
۲۲. عبدالله، عزالدین، **القانون الدولي الخاص**، الجزء الثاني، القاهرة: منشورات الهيئه العامه للكتاب، ۱۹۸۶.

۲۳. محمدخلیل، خالد عبدالفتاح، *تعاظم دور الارادة في القانون الدولي الخاص*، القاهرة: منشورات دارالنهضة العربية، ۲۰۱۴.

۲۴. منزلای، صالح جاد، *الاختصاص القضائي بالمنازعات الخاصة الدولية و الاعتراف والتنفيذ الدولي للاحكام الاجنبية*، القاهرة: منشورات دارالجامعة الجديدة، ۲۰۰۸.

منابع انگلیسی

Books

25. Briggs, A, *Civil Jurisdiction and Judgments*, (6th ed), New York: Routledge, 2015.
26. Garner, B. A(chief editor), *Black's Law Dictionary*, (9th ed), US: Thomson West, 2009.
27. Tang, Z. S, *Jurisdiction and Arbitration Agreements in International Commercial Law (Isted)*, New York, Routledge, 2014.
28. Torremans, P, Grušić, U, Heinze, C, Merrett, L, Mills, A, García-Castrillón, C. O, Tang, Z. S, Trimmings, K and Walker, L, *North and Fawcett: Private International Law*, (15th), Oxford: Oxford University Press, 2017.

Articles

29. Delaygua, Q. F, "Changes to jurisdiction based on exclusive jurisdiction agreements under the Brussels I Regulation Recast". *Journal of Private International Law*. No.3, Vol. 11, 2015.

Master thesis

30. Ogunranti, Akinwum Olawuyi," The Scope of Party Autonomy in International Commercial Contracts: A New Dawn?" Master thesis of Laws at Dalhousie University Halifax, Nova Scotia, 2017, Available at: <http://cutt.us/VjgCE>, last visited: 2018, August 15.